

معادله چند مجهولی باغ هزار میلیارد تومانی

«اعتماد» ابعاد مختلف اتهامات مربوط
به پرونده کاظم صدیقی را بررسی می‌کند

مهدی بیگ‌اوغلی| در روزهای پایانی هفته بود که ماجرای انتقال مالکیت باغ 4200متری به ارزش حدوداً هزار میلیارد تومان در ازگل تهران به شرکتی متعلق به کاظم صدیقی و بستگانش توسط یاشار سلطانی رسانه‌ای شد. این فعال رسانه‌ای با افشای این پرونده نوشت: «به تازگی ۴۲۰۰ متر از زمین باغی حوزه علمیه امام خمینی که آیت‌الله صدیقی متولی آن است، به شرکت پیروان اندیشه‌های قائم منتقل شده که در آذر سال گذشته توسط کاظم صدیقی و دو پسر و عروسش تاسیس شده است.» اما در شرایطی که افکار عمومی ایرانیان منتظر بودند تا امام جمعه موقت تهران در خصوص این اتهامات پاسخ داده یا آن را تکذیب کند، خبری از اطلاع‌رسانی نبود. سکوت صدیقی و اطرافیانش به اندازه‌ای وسعت یافت که صدای رسانه‌های اصولگرا را نیز درآورد. روزنامه فرهیختگان نوشت: «سوال مهم و ابهام‌حیاتی این روزها نحوه واکنش امام جمعه موقت تهران و دفتر او است؛ چرا تاکنون سکوت کرده‌اند و پاسخ آنها به این اسناد چه خواهد بود؟»

موضوع اما زمانی ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد که نام کاظم صدیقی در لیست امامت جمعه روز جمعه شهر تهران گنجانده شد. بسیاری از چهره‌های سیاسی کشور و کارشناسان با انتقاد از چنین تصمیمی، آن را نشانه بی‌توجهی تصمیم‌سازان به حساسیت‌های عمومی تفسیر کردند. مطابق اطلاعات افشا شده، مدرسه علمیه «امام خمینی» نخست در ازگل «مکان‌یابی» شد و «کم‌کم با خرید زمین‌های اطراف» از «شهرداری تهران، سازمان اوقاف و برخی خیرین مانند تاجر پرحاشیه و نزدیک به جریان روحانیت سیاسی یعنی مطلبی‌کاشانی» و «توسعه زیربنایی، اکنون یک ملک حدوداً ۲۳ هزار متری» است. یاشار سلطانی در این گزارش یادآوری کرده است: «مطلبی‌کاشانی همان کسی است که کاظم صدیقی مدعی شده بود مصباح‌یزدی را در خانه خودش غسل داده و بعد از روایت این خاطره عذرخواهی کرد که نشان از رابطه نزدیک میان این دو شخص

دارد.»

چند روزی است اسنادی از تخلفی قابل تامل در مجموعه تحت مدیریت آیت‌الله صدیقی منتشر شده و بخشی از افکار عمومی را درگیر کرده است. این اسناد در نبود «شفافیت ساختاری» باز هم از مسیر پرابهام «عدالت‌خواهی پروژه‌ای» بیرون آمده و ما از صحت و سقم آن مطلع نیستیم؛ نوعی افشاگری و درز اطلاعات که از مسیرهای «اختصاصی» برخی افراد رخ می‌دهد. اما با این وجود جامعه منتظر واکنش افرادی است که با این اسناد متهم شده‌اند. سوال مهم و ابهام‌حیاتی این روزها نحوه واکنش امام جمعه موقت تهران و دفتر او است؛ چرا تاکنون سکوت کرده‌اند و پاسخ آنها به این اسناد چه خواهد بود؟ سکوت عمیق کاظم صدیقی در خصوص این اتهام اما تا روز یکشنبه ادامه یافت. روز یکشنبه بود که امام جمعه موقت تهران در نخستین واکنش با ادعای زمین‌خواری اعلام کرد: «امضایم را جعل کردند.» و در ادامه تأکید کرد: «موسسه ثبت شده به کیفیتی که در رسانه‌ها انتشار یافته، بدون اطلاع اینجانب به ثبت رسیده.»

واکنش صدیقی به ادعای زمین‌خواری

در پی انتشار ادعایی در فضای مجازی درباره کاظم صدیقی امام‌جمعه موقت تهران، او در نامه‌ای به دادستان تهران به این ادعا واکنش نشان داد. به گزارش همشهری آنلاین، متن این نامه به شرح زیر است: «معروض می‌دارد، حوزه علمیه امام خمینی (ره) در چارچوب اساسنامه خود، سال‌ها قبل برای تمهید ورود نوجوانان و دانش‌آموزان علاقه‌مند به آموختن دروس دینی و حوزوی تصمیم به تأسیس مجموعه آموزشی و فرهنگی پیش‌حوزوی گرفته و برای تأسیس این مرکز اقدام به اخذ مجوزهای قانونی لازم کرد. بر همین اساس لازم بود تا موسسه‌ای وابسته به حوزه علمیه امام خمینی تأسیس شود و بخشی از زمین متعلق به حوزه برای ایجاد این مرکز پیش‌حوزوی به آن موسسه منتقل شود. بر این اساس فردی به نام آقای * * * * که قبلاً مورد اعتماد مجموعه بوده، مسوول پیگیری و انجام امور ثبت اداری موسسه شد. اما متأسفانه فرد مذکور با سوءاستفاده از اعتماد اقدام به تدوین و ثبت اساسنامه، جعل امضای اینجانب، تسهیم سهام به آن کیفیت و بدون اطلاع تولیت، مدیر حوزه و برخی اعضا کرده و مع‌الاسف حتی بدون ورود و امضای اینجانب و برخی اعضا ثبت این قضیه صورت پذیرفته است. بنابراین موسسه ثبت شده به کیفیتی که در رسانه‌ها انتشار یافت، بدون اطلاع اینجانب و مدیریت حوزه و برخلاف اهداف مصوب آن به ثبت رسیده است. لذا اینجانب کاظم صدیقی از جایگاه تولیت حوزه علمیه

امام خميني(ره) و به عنوان يك شهروند، بدون در نظر گرفته شدن سوابق قضايي و عناوين سياسي اجتماعي استدعا دارم نسبت به ثبت شكايات رسمي از فرد مذکور و ديگر نقش آفرينان در اين فقره، با عنوان جعل و خيانت در امانت اقدام فرموده تا ابعاد اين مساله براي عموم مردم عزيز ايران، خاصه مومنين روشن و شفاف شود.»

آزمون مهمي پيش روي دستگاه قضايي قرار گرفته است

پس از نامه كاظم صديقي به دادستاني نه تنها حواشي موضوع كاهش نيافت، بلكه بر شدت و حدت واكنشها افزوده شد. عباس عبيدي، فعال سياسي اصلاح طلب به انتشار اسناد تخلف و زمين خواري در حوزه علميه از گل نوشت: «صديقي گفته زمين را يك جاعل به نام ما زده!! اگر راست بگويد يك فاجعه تمام عيار از بي اطلاعي وي و داشتن اطرافيان جاعل است. اگر دروغ باشد كه صد بار بدتر. شايد فساد تحمل شود ولي با دروغ چه مي توان كرد؟ چاي ديش ضربه نهايي به شعارهاي مبارزه با فساد بود و اين به نماز جمعه. آزمون مهمي پيش روي دستگاه قضايي قرار گرفته است.»

حضور صديقي در نماز جمعه لجبازي با مردم است

محمدعلي ابطحي در خصوص ابعاد گوناگون اين پرونده به «اعتماد» مي گويد: «برخلافديدگاههايي كه معتقدند موضوع اختلاس، فساد و رانت مديران در سطوح مختلف براي مردم عادي سازي شده، معتقدم كه اتفاقا حساسيتهاي مردمی همچنان وجود دارد و حتي بيشتري هم شده، اما آنچه در حال رخ دادن است، بي توجهي حاكميت به حساسيتهاي مردم است. واقع آن است كه من نمي دانم اصل موضوع آقاي صديقي چه بوده و چه وضعي داشته است؟ اما همين كه پرونده فسادي در رسانه ها مطرح مي شود، بعد در همان هفته ايشان را براي جا يگاه امامت جمعه كه حتما بايد عدالت و شفافيت در آن وجود داشته باشد، در نظر مي گيرند، عين لجبازي است. اين لجبازي فقط با مردم نيست، بلكه با دين مردم هم لجبازي مي شود.» او ادامه داد: «فردي كه براي نماز جمعه مراجعه مي كند بايد پشت سر يك امام عادل نماز بخواند. حداقل شبهه عدم عدالت كه وجود دارد، اين نوع رفتارها كه ممكن است پشتوانه عقيدتي هم در بين برخي مديران داشته باشد. مديراني كه مي گویند، كساني كه با ما نيستند، غير خودي هستند، در انتخابات شركت نمي كنند يا تفكري غير از تفكر ما دارند، بيشتري طرد ميشوند و هر نوع جا يگاهي از آنها ستانده ميشود تا فضا به سمتي برود كه اين افراد و جريانات فاقد هر نوع جا يگاهي باشند تا مديريت خالص ساز و تسويه شده مورد

نظر عملي شود. در نقطه معکوس افراڊي که خودي هستند، هر تخلفي که انجام دهند باز هم مورد حمايت و تايد قرار مي‌گيرند. در مورد آقاي صديقي به‌طور مشخص، چند نگراني اضافه بر اين نگراني‌ها وجود دارد که مساله امامت جمعه است.» ابطحي يادآور شد: «اين جا يگاه شأن معنوي خاصي دارد. اين برخوردها هم معنويت جامعه را آسيب مي‌زند. از سوي ديگر آقاي صديقي رييس سازمان امر به معروف و نهي از منکر کشور هستند و عملکرد افراطي اين سازمان طی سال‌هاي اخير سرچشمه بسياري از بحران‌هاي فراگير جامعه بوده است. انتشار خبر وقوع از فردي که متولي امر به معروف و نهي از منکر است، غيرقابل قبول است. همين امروز هم اگر به محل پارکينگ خودروهاي توقيف شده به دليل حجاب سر بزنيډ، مشخص مي‌شود که مردم چه آزار و اذيت وسيعي را به دليل حجاب متحمل مي‌شوند. در مرحله بعد معتقدم نحوه پاسخگويي ايشان کمتر از بزرگي اتهام نبوده است. بگذريم از اينکه با فناوري‌هاي نوين امضاهاي اسناد به صورت الکترونيکي صورت مي‌گيرد و جعل بسيار سخت است، اما پذيرش اين موضوع که فردي در اين وضعيت بحراني جامعه برود امضاي ايشان را جعل کند تا زمين مرغوبي را در مجاورت مدرسه آقاي صديقي به نام ايشان سند بزند، غيرقابل قبول به نظر مي‌رسد. آسيب اين نوع مشکلات هم متوجه دين مي‌شود، هم متوجه حاکميت و هم متوجه نظام سياسي کشور. اميدوارم در سال آينده به نوع تخلفات توجه بيشتري شود. دولت مدام دربارۀ مقابله با فساد شعار مي‌دهد، اما پرونده نجومی چاي ديش رو مي‌شود، اما مشخص نمي‌شود چه بر سر آن آمده است. امروز ديگر نمي‌توان موضوعات اينچنيني را لاپوشاني کرد، مردم به اخبار شفاف دسترسي دارند و به اين سادگي نمي‌توان آنها را فريب داد.»